

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number : 85625 Article Cod : SH15K6767 ISSN-P : 2676-6442

بررسی مسائل و مشکلات موجود در دبیرستان دخترانه مقطع اول و دوم متوسطه شهر همدان (حاج محمد تقی برزین) و راهکار هایی برای رفع آن ها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۵/۱۲)

نعیمه مختاری

دانشجو معلم و کارشناسی پیوسته آموزش مشاوره و راهنمایی

چکیده

در این مقاله به بررسی و تبیین برخی از مسائل و مشکلات موجود در دبیرستان دخترانه مقطع اول و دوم متوسطه شهر همدان به نام حاج محمدتقی برزین پرداخته شده و همچنین راهکار هایی برای رفع آن ها ارائه گردیده است. در نهایت نیز با اجرای این راهکار ها، نتایج حاصله از به کارگیری این موارد بیان شده است. این پژوهش به روش مسئله یابی از طریق مشاهده میدانی و در طول جلسات کارورزی تدوین شده و راهکار های ارائه شده نیز با مستندات علمی مطابقت داده و سپس به مرحله اجرا رسیده اند. همچنین برای شرح مسئله موجود در مدرسه از روایت پژوهی استفاده شده است. این پژوهش، نتیجه کار و همکاری مشترک بین کارورز مدرسه، مدیر، معلمان و همچنین دانش آموزان بوده است که در نهایت به نتایج خوبی منجر شده است. در این پژوهش به بررسی چهار موضوع پرداخته شد که عبارتند از: دلایل بی انگیزگی دانش آموزان، اضطراب و اعتماد به نفس پایین، طلاق والدین و آثار آن بر روی دانش آموزان و ارتباط با جنس مخالف. سپس به بررسی راهکار های موجود برای حل این مسائل پرداخته شد، برخی راهکارهای پیشنهاد شده به اجرا درآمده و در نهایت، نتایج حاصل از اجرای این راهکار ها بیان شد. امید است که با ارائه این پژوهش و نتایج آن، فرهنگیان عزیز و همچنین عموم مردم بتوانند مسائل و مشکلات مشابه موجود در محل کار و یا زندگی خود را شناسایی کرده و از راهکار های ارائه شده در این پژوهش در جهت رفع آن ها استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: مسئله یابی، مشاهده میدانی، مدرسه، راهکار



بخش اول: تحلیل و بررسی اولیه موضوع

همانطور که میدانیم امروزه مدارس با مشکلات و مسائل متعددی مواجه هستند که هر کدام از این مسائل می تواند در روند آموزش و پرورش دانش آموزان اختلال ایجاد نماید. بنابر این ضرورت دارد که تا حد امکان کادر مدرسه با همکاری یکدیگر و همچنین یاری والدین دانش آموزان از این مسائل و مشکلات گذر کرده تا بتوانند فرایند مثبتی را در طول تحصیل برای دانش آموزان از جنبه های مختلف تحصیلی، جسمی، روحی و... فراهم نمایند. این مشکلات را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول مشکلاتی هستند که دانش آموز با والدین خود و یا بالعکس دارند، مانند طلاق و دعوا بین والدین، فرار دانش آموز، اعتیاد والدین و... دسته دوم مسائلی است که دانش آموز به لحاظ شخصی با آن ها مواجه است، مثل استرس و اضطراب، عقب ماندگی تحصیلی، اعتماد به نفس پایین و... و دسته سوم نیز آن قبیل از مشکلات هستند که مدرسه با دانش آموز و یا دانش آموز با مدرسه دارد همانند بی انگیزگی برای تحصیل، نبود امکانات کافی در مدارس، معلمان غیر مرتبط و... هر کدام از مسائل و مشکلات ذکر شده می تواند به عنوان سدی در جهت پیشرفت دانش آموز عمل کرده و او را از رسیدن به آینده ای روشن باز دارد. بنابر این ضرورت دارد که کادر مدرسه در جهت شناسایی این مشکلات گام برداشته و در جهت حل یا کاهش آن ها با یکدیگر همکاری کنند تا در نهایت مدرسه و دانش آموزانی پویا و فعال داشته باشند که در جهت ساختن آینده خود تلاش می کنند. بی شک در حل این مسائل و مشکلات همکاری و کمک ادارات آموزش و پرورش نیز بی تاثیر نبوده و حتی ضرورت دارد. چرا که مدارس واحد های کوچک آموزشی هستند که برای انجام امور مختلف نیاز به تایید و همراهی ادارات آموزش و پرورش خود دارند. بنابر این نمیتوان نقش این ادارات را نیز در حل این مسائل نادیده گرفت. با ارائه این توضیحات، به ضرورت وجود این مسئله یابی و حل آن ها پی برده و در نهایت به بررسی برخی مسائل موجود در یکی از مدارس پرداخته، راهکار هایی برای رفع آن ها ارائه داده و به بررسی نتایج اجرای این راهکار ها می پردازیم.



بخش دوم: بی انگیزگی دانش آموزان

در روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ به همراه دوستم برای گرفتن نامه کارورزی به اداره آموزش و پرورش محل خدمت خود در شهر همدان، ناحیه دو رفتیم. بعد از انجام کارهای اداری و انتخاب مدرسه، نامه از طریق اتوماسیون برای مدرسه ارسال شد. من و دوستم نیز به همراه یکدیگر جهت آشنایی کلی با مدرسه و معرفی خود به مدیر، به مدرسه رفتیم. مدرسه انتخابی ما «حاج محمدتقی برزین» نام دارد و در منطقه ای به نام «کوی اندیشه» ساخته شده که تقریباً در پایین شهر قرار دارد. در این مدرسه دو مقطع متوسطه اول و دوم دخترانه به صورت ترکیبی با یکدیگر درس میخوانند. مدرسه دارای حیاطی بزرگ در جلوی ساختمان می باشد، ساختمان مدرسه در دو طبقه احداث شده است. در طبقه اول اتاق های مربوط به کادر مدرسه مانند دفتر معاونین و مدیر و.. و تعداد محدودی کلاس وجود دارد و طبقه دوم نیز شامل سایر کلاس های آموزشی، اتاق مشاور و نمازخانه است. بعد از ورود به مدرسه، با مدیر و معاون آموزشی و پرورشی مدرسه مواجه شدیم، خود را معرفی نموده و از مدیر مدرسه خواستم تا من را با مشاور مدرسه آشنا کند. مدیر از دیدن ما ابراز خوشحالی کرد و رفتاری بسیار محترمانه با ما داشت. همچنین با مشاور مدرسه تماس گرفت و بعد از صحبت با ایشان، من را در گروه پایه هشتم که تدریس تفکر و سبک زندگی در آن صورت میگرفت و همچنین گروه هدایت تحصیلی پایه نهم عضو کردند. به دلیل شیوع کرونا و قرمز بودن شهر همدان، مدارس تعطیل بودند و آموزش به صورت مجازی انجام میشد. بنابراین بعد از عضویت در گروه ها، از کادر مدرسه خداحافظی کرده و به خانه بازگشتیم. اولین مسئله ای که در گروه ها به چشم میخورد و همچنین در صحبت با مشاور مدرسه متوجه آن شدم، بی انگیزگی دانش آموزان نسبت به درس، تحصیل و مدرسه بود. دانش آموزان غالباً علاقه و انگیزه ای برای درس خواندن نداشتند و این مسئله باعث کاهش شدید نمرات آن ها و میزان همکاری و رغبت آنان در کلاس ها شده بود. دانش آموزان به سختی و با تهدید های مختلف از جانب معلم و مدیر، دروس مدرسه را میخواندند و برای تلاش در جهت قبول شدن در مدارس نمونه دولتی یا تیزهوشان و یا حتی کنکور نیز تلاش و انگیزه خاصی دیده نمیشد و طبعاً نیز این آزمون ها نتایج خوبی را در پی نداشت. آنچه در نگاه اول برای علت این بی انگیزگی به چشم میخورد دلایلی



سطحی است که در سایر مدارس نیز وجود دارد. مثل ناامیدی نسبت به آینده، جو روانی جامعه و مواردی از این قبیل. اما با بررسی و پیگیری دقیق تر از طریق کادر مدرسه و همچنین صحبت های دانش آموزان به علت های دیگری نیز رسیدم که تاثیر بیشتری _ به خصوص در این منطقه _ بر بی انگیزگی آنان نسبت به درس و تحصیل داشته است.

مهم ترین دلایل بی انگیزگی دانش آموزان این مدرسه عبارتند از:

- مقایسه خود با سایر دانش آموزانی که وضعیت نسبتاً بهتری دارند.
- توان پائین اقتصادی اکثریت خانواده های دانش آموزان.
- جو عمومی جامعه و القای حس ناامیدی و بی نتیجه بودن تلاش ها به نوجوانان و جوانان.
- عدم تمایل به درس های محدود مدرسه و علاقه به سایر دروس و رشته ها مثل موسیقی، هنر و....
- فضای خانوادگی نامناسب دانش آموزان مثل اعتیاد یا طلاق والدین.
- عدم وجود اعتماد به نفس و عزت نفس در افراد.
- انتظار زیاد معلم و القای حس تنبلی و ضعیف بودن به دانش آموزان.
- ضعف مدرسه در برخورداری از امکانات کافی مثل کتابخانه مجهز به کتاب های کمک درسی، دیتا پرژکتور و....

در تحقیقات و مقالات علمی نیز بر بسیاری از این دلایل و همچنین دلایل دیگر برای وجود بی انگیزگی در بین دانش آموزان تاکید گردیده است. سیاهپوش، ارجمند، جعفری و فربغلائی (۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که ساعات مطالعه، جنس، طبقه اجتماعی والدین و میزان عزت نفس، به ترتیب در پیش بینی متغیر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سهم بیشتری دارند. حسینی طباطبایی و قدیمی مقدم (۱۳۸۶) در تحقیق خود عنوان کرده است که بین پیشرفت تحصیلی و سه متغیر انگیزه تحصیلی، نگرش به تحصیل و اعتماد به نفس رابطه وجود دارد. مسعودی فر (۱۳۸۸) در تحقیق خود درمورد بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان متوسطه



خراسان رضوی، بر میزان ارزش های درونی، میزان خودکارآمدی، میزان عزت نفس، میزان واکنش های عاطفی، میزان واکنش های گروه های مرجع و میزان انتظارات معلم به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر انگیزه یا بی انگیزگی تحصیلی اشاره کرده است. همچنین در تحقیقات خارجی نیز به عوامل متعددی برای بی انگیزگی دانش آموزان اشاره شده است. علی و پاتان (۲۰۱۷) در تحقیق خود به محتوا و مواد درسی دوره به عنوان برجسته ترین علت بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان در یادگیری درس زبان در پاکستان اشاره کرده اند. کائوچی و سکای (۲۰۰۹) در پژوهشی درباره کلاس های اینترنتی انگلیسی دبیرستان، پنج عامل محتوای کتاب های دوره، امکانات ناکافی مدرسه، ضعف نمره امتحانات، روش های غیر تعاملی و ضعف در سبک آموزش و شایستگی دبیران را به عنوان عامل مؤثر در بی انگیزگی تحصیلی ذکر کرده اند. بعد از علت یابی دلیل بی انگیزگی دانش آموزان طی صحبت با خود آن ها، مشاور و همچنین مدیر مدرسه، راه حل هایی برای کاهش این بی انگیزگی و افزایش انگیزه دانش آموزان پیشنهاد داده شد.

راهکار های پیشنهادی در جهت کاهش بی انگیزگی دانش آموزان و افزایش انگیزه آنان:

۱. غنی سازی کتابخانه مدرسه با کمک خیرین و سایر معلمان جهت خرید کتاب های کمک درسی مورد نیاز دانش آموزان.
۲. دعوت از افراد موفق شهر که در شرایطی شبیه به شرایط این دانش آموزان رشد کرده و با تلاش و پشتکار به موفقیت رسیده اند و بیان تجربیات خود برای دانش آموزان.
۳. نشان دادن راه های مختلف به دانش آموزان و همفکری با خود آن ها به جهت پیگیری درست علائق شخصی خود در کنار دروس مدرسه.
۴. صحبت و همدلی با دانش آموزان و ارائه راهکار هایی برای تسلیم نشدن در برابر مشکلات خانوادگی خود و همچنین بیان نتایج ادامه این بی انگیزگی.



۵. برگزاری کارگاه هایی متناسب با نیاز خانواده ها در جهت رفع یا کاهش مشکلات اغلب خانواده ها مثل اعتیاد و طلاق.

۶. صحبت با کادر مدرسه در جهت جلوگیری از ترویج و القای حس ناامیدی و نا کافي بودن دانش آموزان و بی نتیجه بودن تلاش های آن ها.

۷. درخواست همکاری از تمامی کادر مدرسه در جهت افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان با استفاده از راه های مختلف مثل سپردن برخی وظایف به آن ها و همچنین تشویق افراد و راهکار هایی از این قبیل.

بعد از ارائه این راهکار ها و همفکری با مدیر و مشاور مدرسه، نوبت به اجرای برخی از این راه حل ها رسید:

اجرای راهکار منتخب شماره یک: (غنی سازی کتابخانه مدرسه با کمک خیرین و سایر معلمان جهت خرید کتاب های کمک درسی مورد نیاز دانش آموزان)

اولین راهکار اجرایی غنی سازی کتابخانه مدرسه بود. ابتدا با کمک دانش آموزان، کتابخانه مدرسه گردگیری و تمیز شد و فهرستی از کتاب های موجود در مدرسه تهیه شد. سپس از دانش آموزان _ به خصوص پایه نهم و دوازدهم _ نظر سنجی شد تا بیشترین کتاب های مورد نیاز دانش آموزان مشخص گردد. بعد از نظر سنجی از دانش آموزان و مشخص شدن چند کتاب پر تکرار، نظر معلمان مرتبط نیز در این زمینه پرسیده شد تا در نهایت به فهرستی واحد برای تهیه کتاب رسیدیم.

برای تهیه کتاب، به منابع مالی نیاز بود. در همین راستا از معلمان خواسته شد تا حد امکان به مدرسه کمک کنند و حتی از سایر دوستان و آشنایان خود نیز برای این کار کمک بگیرند. همچنین از دانش آموزان و کادر مدرسه نیز خواسته شد که اگر دانش آموزانی را می شناسند که کتاب های کمک درسی سال های قبل خود را نیاز ندارند و این کتاب ها قابل اسفاده هستند، با موافقت آن ها کتاب ها را به کتابخانه مدرسه اهدا کنند.



راه دیگر نیز صحبت و جلسه با خیرین مدرسه و همچنین شورای اولیا و مطرح کردن این موضوع و درخواست از آن ها برای کمک کردن به مدرسه برای حل این مسئله از راه های ممکن بود.

اجرای راهکار منتخب شماره پنج: (برگزاری کارگاه هایی متناسب با نیاز خانواده ها در جهت رفع یا کاهش مشکلات اغلب خانواده ها مثل اعتیاد و طلاق)

دومین راه حلی که در این موضوع مورد استفاده قرار گرفت، برگزاری کارگاه برای والدین دانش آموزان بود. همانطور که گفته شد خانواده های دانش آموزان این مدرسه به دلایل مختلف _ از جمله وضعیت اقتصادی و وضعیت فرهنگی نامناسب منطقه سکونت _ به مسائل متعددی از جمله طلاق و اعتیاد دچار هستند. همین مشکلات نیز بر روی انگیزه دانش آموزان تاثیر داشته و باعث بی انگیزگی دانش آموزان درگیر در این خانواده ها شده است.

بنابر این و برای کاهش یا حل این مشکلات، از کارشناس آموزش خانواده توسط مشاور مدرسه و با موافقت مدیر دعوت شد تا در دو روز به صورت جداگانه برای والدین دانش آموزان مقطع اول و دوم متوسطه _ به دلیل کمبود جا برای برگزاری همزمان _ صحبت کرده و راهکار هایی به آن ها ارائه داده شود.

در راستای اجرای این راهکار، با کارشناس آموزش خانواده هماهنگ گردید، دعوتنامه اولیا چاپ و به دانش آموزان داده شد تا به اولیا خود بدهند و از آن ها خواسته شد تا حتی المقدور در این کارگاه شرکت کنند. برای تشویق بیشتر خانواده ها به دلیل عدم توجه برخی از آن ها به این کارگاه و برای جلوگیری از این امر، در دعوتنامه ذکر شد که به دانش آموزی که والدین یا حداقل یکی از آن ها در این کارگاه شرکت کنند، نمره تشویقی داده خواهد شد.

اجرای راهکار منتخب شماره هفت: (درخواست همکاری از تمامی کادر مدرسه در جهت افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان با استفاده از راه های مختلف مثل سپردن برخی وظایف به آن ها و همچنین تشویق افراد و راهکار هایی از این قبیل)



در مرحله اول، مدیر مدرسه در زمان حضور تمامی معلمان در اتاق معلمان و طی دو روز _ به دلیل عدم حضور تمامی کادر مدرسه و معلمان در یک روز _ بعد از توضیح وضعیت پیش آمده و بی انگیزگی روبه رشد دانش آموزان، از کادر مدرسه با توجه به وظایف خود درخواست کرد تا اقداماتی را در جهت افزایش اعتماد به نفس دانش آموزان و افزایش روحیه آنان انجام دهند.

طبق این صحبت ها، معاون آموزشی موظف شد تا از دانش آموزان داوطلب در زنگ های تفریح به عنوان انتظامات و همچنین نماینده خود در کلاس جهت اطلاع امور آموزشی استفاده نماید. معاون پرورشی به برگزاری پر شور تر صف صبحگاه و استفاده از خود دانش آموزان برای برگزاری این برنامه، تشویق آن ها به شرکت در مسابقات مورد علاقه خود و همچنین انتخاب نماینده پرورشی برای اطلاع امور پرورشی به دانش آموزان موظف شد و در نهایت، معلمان نیز به افزایش همکاری با دانش آموزان، مشارکت دادن آن ها در امور تدریس، تشویق آن ها و صحبت های انگیزشی و روحیه دادن به آن ها توصیه، و از القای حس ضعیف بودن و بی نتیجه بودن تلاش های دانش آموزان منع شدند. همچنین از کلیه کادر مدرسه نیز خواسته شد تا تغییرات ایجاد شده در دانش آموزان را به مشاور مدرسه گزارش دهند و آخرین مرحله این مسئله، نتایج اجرای این راهکار ها می باشد:

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره یک

بعد از غنی سازی کتابخانه مدرسه، مراجعه دانش آموزان به کتابخانه و به امانت گرفتن کتاب افزایش یافت و به مرور تعداد کتاب های اهدایی و یا خریداری شده برای مدرسه نیز بیشتر شد. همچنین برای استفاده همه دانش آموزان از کتاب ها، برنامه زمانی معینی برای استفاده هر فرد از کتاب ها تنظیم و برای دیر باز گرداندن کتاب، جریمه نقدی تاخیر به صورت روزانه در نظر گرفته شد تا دانش آموزان به برنامه زمانی ارائه شده پایبند باشند. غنی سازی کتابخانه، به خصوص برای افرادی که به لحاظ مالی توانایی تامین کتاب کمک درسی برای خود نداشتند و این امر باعث بی انگیزگی آنان نسبت به درس خواندن شده بود مشوق بسیار خوبی بود. دانش آموزان با میل و



رغبت به کتابخانه مراجعه و کتاب دریافت میکردند و خوشحالی و افزایش انگیزه و تلاش آنان بعد از این اتفاق، کاملاً مشهود بود.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره پنج

پس از برگزاری کارگاه‌هایی برای والدین هر دو مقطع متوسطه اول و دوم که با استقبال والدین مواجه شد، بعد از گذشت یک هفته از برگزاری کارگاه، از والدین خواسته شد تا نظر خود نسبت به کیفیت کارگاه و همچنین تاثیر آن بر بهبود وضعیت خانوادگی خود را از طریق پیام رسان شاد با مشاور مدرسه در میان بگذارند. پیام‌های دریافتی نشان دهنده مفید بودن این کارگاه برای والدین در راستای آگاه‌سازی آن‌ها و همچنین ارائه راه‌حلی در جهت رفع یا کاهش مشکلات مربوط به اعتیاد یا طلاق بود که منجر به ایجاد فضای روانی بهتر در خانه برای دانش‌آموزان و همچنین ایجاد بستری مناسب‌تر برای درس خواندن دانش‌آموز در محیط خانه شده بود که بسیار رضایت‌بخش بود.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره هفت

بعد از اینکه کادر مدرسه در جهت افزایش همکاری دانش‌آموزان و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها توجیه شدند، نتایج مثبت از همان ابتدای انجام این کار مشخص شد. اولین بازخورد‌های دریافتی از طرف معلمان بود، یکی از معلمان گزارش داد یکی از دانش‌آموزان که اعتماد به نفس پایینی داشته و انگیزه چندانی نیز برای خواندن درس علوم نداشت، بعد از اینکه در کلاس یک سوال را پاسخ داد و مورد تشویق معلم قرار گرفت، تا انتهای کلاس احساس بهتری داشت و نسبت به روزهای گذشته کمی بیشتر در کلاس مشارکت داشت. این مشارکت، در روزها و هفته‌های بعد با اهمیت دادن بیشتر به دانش‌آموزان، تشویق آن‌ها و مشارکت آن‌ها در فرایند تدریس افزایش یافت و به مرور انگیزه آن‌ها برای خواندن درس و پاسخگویی در کلاس بیشتر شد. این نتیجه در سایر دروس و کلاس‌هایی نیز که معلمان آن‌ها در جهت افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان راهکارهای پیشنهادی را اجرا کرده بودند نیز قابل مشاهده بود. در نتیجه، اعتماد



به نفس دانش آموزان در کلاس درس، بعد از حدود دو الی سه هفته، به وضوح افزایش چشمگیری داشت که این موضوع، خود به رضایت بیشتر معلمان از کلاس درس نیز منجر شد. همچنین در پی افزایش جلب مشارکت دانش آموزان در واحد آموزشی و پرورشی نیز، رابطه متقابل معاونین آموزشی و پرورشی با دانش آموزان بهتر شد. معاون آموزشی که هر روز بعد از پایان زنگ تفریح، برای فرستادن دانش آموزان به کلاس از داد و فریاد استفاده و آن ها را سرزنش میکرد، بخش زیادی از این مسئله با کمک خود دانش آموزان و همکاری انتظامات داوطلب، رفع شد. انتظامات شدن دانش آموزان و سپردن مسئولیت به آنان در افزایش اعتماد به نفس آن ها تاثیر بسزایی داشت. همچنین مراجعه دانش آموزان به دفتر پرورشی افزایش یافت، صف های صبحگاه و برنامه آن با میل و رغبت بیشتری برگزار میشد. دانش آموزان در مسابقات مرتبط با علائق خود شرکت کرده و بعضاً در این رشته ها رتبه نیز کسب کردند. با کسب رتبه و رفتن به مرحله بعدی و همچنین مورد تشویق قرار گرفتن از طرف مدرسه، اعتماد به نفس و انگیزه آنان برای پیگیری بیشتر، افزایش یافت.

بخش سوم: اضطراب و اعتماد به نفس پایین

در پایه هفتم این مدرسه، دختری به نام "سحر" در حال تحصیل است که دارای لکنت زبان می باشد. به دلیل همین لکنت، اعتماد به نفس او پایین آمده و از صحبت کردن می ترسد. علاوه بر مدرسه، او حتی در گروه های مجازی نیز صحبتی نمیکند. همین لکنت زبان و ترس از صحبت کردن او باعث اضطراب او شده که همین اضطراب باعث بدتر شدن وضعیت لکنت او می گردد. در ابتدا از او دعوت شد تا به اتاق مشاوره بیاید، مشاور در مرحله اول با او برخوردی مناسب داشت و فضایی قابل اطمینان برای او ایجاد کرد تا دانش آموز احساس راحتی داشته باشد. در این جلسه از او خواسته شد مشکلات خودش را عنوان کند. هنگام تعریف، مشاور با تایید سر و توجه به صحبت های او، او را همراهی میکرد تا او احساس بهتری داشته باشد. همین توجه و همراهی و ایجاد فضایی مناسب باعث شد تا دانش آموز بعد از چند دقیقه کاملاً به آرامش برسد و اضطراب اولیه حاصل از ورود به اتاق مشاوره از بین برود.



همچنین از او خواسته شد تا چند خط از کتاب خود را بخواند تا میزان و شدت لکنت او مشخص گردد. بعد از خواندن از روی کتاب و مقداری صحبت راجع به وضعیت خانوادگی و اضطراب او، جلسه به پایان رسید و قرار شد جلساتی دیگر نیز با یکدیگر داشته باشند. همچنین مشاور از مادر او دعوت کرد تا به مدرسه بیاید و راجع به دلایل این لکنت و اضطراب صحبت کنند. در جلسه ای که مشاور با مادر دانش آموز داشت، از او دلایل و زمان پیدایش این لکنت پرسیده شد. مادر عنوان کرد که این لکنت از سه سالگی و بر اثر ترس شدید او از سگ ایجاد شد. به دلیل توان پایین اقتصادی خانواده، برای رفع و بهبود این لکنت به گفتار درمانگر مراجعه نشده و مشکل او بر اثر گذشت زمان و همچنین افزایش سن تشدید نیز شده است. اضطراب او نیز از زمانی آغاز شده که وقتی در جمع صحبت میکرد، مورد تمسخر اطرافیان قرار گرفته و صحبت او را قطع می کردند و حتی ادای او را در می آوردند. در ابتدا با گریه و رفتن پیش مادر خود از این وضعیت شکایت میکرد، اما به مرور زمان و گاهی طرد شدن توسط مادر خود، باعث کم حرفی و حتی سکوت او در جمع شده و بعد از مدتی، صحبت کردن برای او به دلیل ترس از تمسخر و طرد شدن و... باعث ایجاد اضطراب شده و در نهایت، این امور و دلایل منجر به شدت لکنت او می شده است. بعد از صحبت با دانش آموز و مادر او، نوبت به صحبت کردن با معلمان او شد تا از وضعیت تحصیلی و همچنین نحوه برخورد او در کلاس اطلاع حاصل شود. معلمان بیان کردند که او در درس های کتبی وضعیت نسبتاً بهتری نسبت به درس های شفاهی دارد و به همین دلیل نیز به دروس و تکالیف کتبی رغبت بیشتری نسبت به دروس شفاهی دارد. در کلاس معمولاً تنهاست، دانش آموزان او را نمیپذیرند و گاهی نیز موقع صحبت او، او را مورد تمسخر قرار میدهند که البته با واکنش معلم مواجه می گردد اما تاثیر منفی خود را بر روی دانش آموز میگذارد.

در نتیجه، مهم ترین دلایل این مسئله (اضطراب و شدت گرفتن لکنت او) عبارتند از:

۱. توان پایین اقتصادی خانواده برای درمان او

۲. مورد تمسخر قرار گرفتن در جمع های فامیلی و کلاس درس

۳. طرد شدن توسط خانواده و بی اهمیتی نسبت به او



۴. تنها بودن در مدرسه و نداشتن گروه های دوستی

۵. اعتماد به نفس پایین و قبول نداشتن توانایی های خود

همچنین در بسیاری از مقالات داخلی و خارجی نیز بر لکنت زبان و ارتباط او با اضطراب و ضرورت وجود آموزش هایی در جهت کنترل این شرایط تاکید شده است. به طور معمول انسانها در برابر مشکلات هیجانی-عاطفی، محدودیت ها و فشارهای محیطی، اختلال های رفتاری و روانی و حتی معلولیت های جسمی، عکس العمل های متفاوتی نشان می دهند. طبیعی است که برخی از افراد به ویژه افراد دارای اختلال های گفتاری نسبت به این مسائل حساسیت بیشتری نشان می دهند. این حساسیت ها و فشارها مانع آرامش روان در فرد شده، آشفتگی روانی، تنش عضلانی، اضطراب و تشدید اختلال های گفتاری را موجب میشود. (هیلگارد، ۲۰۰۱)

در کودکان مبتلا به اختلال لکنت زبان، فشار و نگرانی همیشه لکنت را بیشتر میکند و به همین دلیل بسیاری از پیشنهاد های درمانی برای کمک به کاهش هر چه بیشتر این عوامل است. (عظیمی راد، ۱۳۷۷)

افراد مبتلا به لکنت زبان به جهت تجارب تلخی که از لکنت دارند، به مرور رفتارهای اجتنابی را به کار می برند. این رفتارها و هراس ها سبب امتناع از ارتباطات اجتماعی می گردد و در نهایت منجر به خود پنداره نادرست وعدم شکوفایی استعداد های بالقوه در معاشرت های اجتماعی و توانایی های تحصیلی می شود. از آن جا که اضطراب عامل تشدید کننده لکنت زبان است و افزایش لکنت زبان نیز افزایش اضطراب را به همراه دارد، ضرورت آموزش هایی جهت کنترل این شرایط بیشتر مشخص می گردد. (محمدزاده، ۱۳۷۴)

کودکان مبتلا به لکنت زبان سطوح بالاتری از اضطراب و نگرانی را نسبت به افراد عادی نشان می دهند. آن ها همچنین دریافته اند که بین اعتماد به نفس این کودکان و سطح اضطراب آنها ارتباط مشخص و مثبتی وجود دارد. (Blood و همکاران ۲۰۰۷)

عزت نفس افراد مبتلا به لکنت زبان در مقایسه با افراد عادی در سطح پایین تری است. وی در تحقیق خود نشان داد که افراد مبتلا به لکنت زبان در مقایسه با گروه شاهد، در موقعیت های گفتاری به طور معنی داری دارای صفت و حالت اضطرابی بوده اند. (فرازی، ۱۳۷۵)

کودکان مبتلا به لکنت زبان از اضطراب و عزت نفس پایین تر و افسردگی بیشتری نسبت به کودکان سالم برخوردارند. بنابراین اتخاذ تدابیر لازم به منظور پیشگیری از مشکلات روانشناختی و درمان به موقع این کودکان حائز اهمیت می باشد. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹)

افراد مبتلا به لکنت زبان به جهت تجارب تلخی که از لکنت دارند، به مرور رفتارهای اجتنابی را به کار می برند. این رفتارها و هراس ها سبب امتناع از ارتباطات اجتماعی می گردد و در نهایت منجر به خودپنداره نادرست و عدم شکوفایی استعدادهای بالقوه در معاشرت های اجتماعی و توانایی های تحصیلی می شود. (توزنده جانی و نعیمی، ۱۳۹۰)

راهکار های پیشنهادی در جهت کاهش اضطراب و بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز و حل مشکل لکنت او:

۱. آموزش خانواده

۲. حمایت های مالی و ارجاع به گفتار درمانی

۳. آموزش مهارت های شناختی_رفتاری

۴. آموزش مهارت های زندگی

۵. آموزش شیوه های صحیح مقابله با بحران

۶. بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز

۷. انجام تمرینات با دانش آموز و آموزش مهارت تن آرام سازی



۸. آموزش معلمان و کادر آموزشی در جهت نحوه تعامل و ارتباط با دانش آموز

بعد از ارائه این راهکار ها و همفکری با مدیر و مشاور مدرسه، نوبت به اجرای برخی از این راه حل ها رسید:

• اجرای راهکار منتخب شماره یک: آموزش خانواده

اولین راهکار اجرایی در راستای کاهش اضطراب سحر، صحبت کردن و دادن آموزش هایی به والدین او بود. در جلسه ای که بین والدین او و مشاور مدرسه برگزار شد، نکاتی در این جهت به خانواده او آموزش داده شد. تصمیم بر این شد تا اعضای خانواده از تمسخر او خودداری کنند، در هنگام صحبت کردن سحر صبر داشته باشند و او را برای صحبت کردن به عجله نیندازند. همچنین از آن ها خواسته شد تا موفقیت های او را با اهمیت جلوه داده و او را در زمینه های مختلف تشویق کنند. به دلیل قرار داشتن سحر در سن نوجوانی، والدین باید محبت بیشتری نسبت به او داشته باشند و در نهایت نیز از آن ها خواسته شد تا اموری را که سحر به تنهایی توان انجام آن ها را دارد به او سپرده و برای انجام آن ها به او استقلال بدهند.

• اجرای راهکار منتخب شماره دو: حمایت های مالی و ارجاع به گفتار درمانی

به دلیل نیاز سحر به انجام گفتار درمانی و مراجعه به متخصص از سویی و توان پایین اقتصادی خانواده از سویی دیگر، مدیر مدرسه از خیرین تقاضای کمک نموده و همچنین با هسته مشاوره آموزش و پرورش نیز در جهت تسهیل این امر ارتباط برقرار شد.

• اجرای راهکار منتخب شماره هفت: انجام تمرینات با دانش آموز و آموزش مهارت تن آرام سازی

در جهت کاهش اضطراب دانش آموز که منجر به تشدید لکنت زبان او میگشت، تمرین هایی توسط مشاور مدرسه با او انجام شد تا بتواند اندک اندک بر اضطراب خود غلبه کند. در ابتدای همه جلسات مشاوره، تکنیک تن آرام سازی توسط مشاور مورد استفاده قرار میگرفت تا سحر به

آرامش برسد و بر هیجان ناشی از حضور در اتاق مشاور غلبه کرده و آرامش و احساس بهتری داشته باشد. در جلسات ابتدایی مشاور از سحر خواست تا در مقابل آئینه موجود در اتاق مشاور، به خود نگاه کرده و صحبت کند تا به مرور از صحبت کردن در برابر سایر دانش آموزان، خجالت زده و مضطرب نگردد. همچنین از او خواسته شد تا از عجله کردن در صحبت خودداری کند و جملاتش را آرام و شمرده شمرده بیان کند. در جلسات بعدی، بر روی برخی کلمات یا تلفظ بعضی از حروف که در ادای آن ها مشکل بیشتری داشت کار شد تا بتواند آن ها را روان تر بر زبان بیاورد.

• اجرای راهکار منتخب شماره هشت: آموزش معلمان و کادر آموزشی در جهت نحوه تعامل و ارتباط با دانش آموز

آخرین راهکار اجرایی در جهت کاهش و رفع این مسئله، آموزش معلمان و کادر مدرسه در جهت تعامل با سحر بود. از معلمان او خواسته شد تا در جلسات اول به صورت کتبی از سحر پرسش داشته باشند و بعد از مدتی به صورت کوتاه و نشسته در جای خود از او سوال پرسیده شود همانند والدین او، به معلمان نیز توصیه شد که موفقیت های تحصیلی او را مهم جلوه داده و او را مورد تشویق قرار دهند و همچنین از مسخره شدن او توسط همکلاسی هایش جلوگیری کنند. از سایر کادر مدرسه نیز خواسته شد تا در تعامل و ارتباط با سحر صبور باشند و او را برای صحبت کردن به عجله نیندازند. در نهایت نتایج اجرای راهکار های منتخب به شرح زیر است:

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره یک

در نتیجه توصیه هایی که به خانواده سحر در جهت ارتباط و تعامل با او شد و اجرای این توصیه ها، ارتباط سحر با خانواده خود بسیار بهتر شد. اضطراب و خجالت ناشی از صحبت با خانواده خود از بین رفت و همچنین وضعیت روحی خانواده نیز به جهت بهتر شدن ارتباط سحر با آن ها به صورت متقابل بهبود یافت.



• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره دو

با استفاده از کمک خیرین و هسته مشاوره، این دانش آموز به گفتار درمانگر ارجاع داده و جلسات درمانی او آغاز شد. بعد از حدود سه جلسه، اندک اندک روند او رو به بهبودی رفت و از شدت لکنت زبان او کاسته شد. این امر، خود در کاهش اضطراب سحر و افزایش روحیه و انگیزه او برای ادامه جلسات نیز موثر بود.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره هفت

با ادامه دادن جلسات مشاوره با مشاور مدرسه و انجام دادن تمرین ها در کنار گفتار درمانی، علاوه بر کاهش اضطراب، به مرور باعث بالا رفتن اعتماد به نفس او نیز شد و بعد از مدتی، خود برای خواندن کلمات و صحبت کردن در برابر مشاور داوطلب می شد.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره هشت

با اجرای توصیه های مشاور توسط معلمان، سحر به مرور زمان در کلاس احساس بهتری داشت و در گروه های دوستی نیز عضویت یافته بود. با تشویق معلم و در عرض هم قرار گرفتن سایر اقدامات، در نهایت سحر بر اضطراب خود غلبه کرد، اعتماد به نفس او افزایش یافت و با جلسات گفتار درمانی، شدت لکنت زبان او نیز تا حد زیادی کاهش یافت.

بخش چهارم: طلاق والدین و آثار آن بر روی دانش آموزان

دختری به نام "عسل" در پایه هشتم این مدرسه در حال تحصیل می باشد. این دختر از سال هفتم به این مدرسه آمده است و در سال هفتم از وضعیت تحصیلی و همچنین اخلاقی مناسبی برخوردار بوده است. با اینکه او دختری آرام و منضبط است، در یکی از روز ها با سایر همکلاسی هایش دعوا کرده و پر خاشگیری می کند و به آن ها توهین می نماید. بعد از شاکی شدن همکلاسی ها با مادر تماس گرفته شد و ایشان به مدرسه دعوت شد تا با مشاور مدرسه درباره چرایی این موضوع گفتگو کنند. مادر شرح می دهد که عسل ورزشکار است و در رشته کاراته مقام دارد. همچنین در سال های گذشته پدر و مادر به دلیل عدم تفاهم از یکدیگر جدا شده اند و عسل به همراه خواهر



کوچکتر خود با مادر زندگی میکنند. پدر و مادر او با یکدیگر رابطه ای دوستانه و صلح آمیز دارند و خوشبختانه درگیری شدیدی بین این دو نفر وجود ندارد. از آنجا که مادر به جهت تامین خانواده به خیاطی اشتغال دارد، دائما بیرون از منزل است و فقط جهت صرف ناهار به منزل باز میگردد و سپس مجددا تا شب به کارگاه خیاطی می رود. علاوه بر نبود مادر، مشکلاتی مثل کمبود محبت، عدم وجود جو صمیمی در منزل و همچنین ارتباط نامناسب با پدر، منجر به این مسائل شده است. بعد از صحبت کردن با مادر او، جلسه ای با خود دانش آموز ترتیب داده شد تا صحبت های او نیز شنیده شود. او که از کار خود در کلاس و پرخاشگری و توهین ناراحت و پشیمان بود، ابتدا از صحبت کردن خودداری میکرد و خجالت میکشید. بعد از آرام سازی دانش آموز و القای حس درک شدن و توجه به او و همچنین تاکید بر رازدار بودن مشاور، فرد احساس راحتی پیدا کرده و شروع به صحبت کرد.

جلسه سوم، جلسه ای با مادر و دانش آموز به صورت مشترک بود. در این جلسه بر جنبه های مثبت مادر برای فرزند و همچنین فرزند برای مادر تاکید شد تا هردوی آن ها احساس بهتری نسبت به یکدیگر داشته باشند. همچنین راهکارهایی در جهت ایجاد جو صمیمی و دوستانه در خانه به آن ها داده شد. در جلسه بعدی هم پدر دانش آموز به مدرسه فراخوانده و در جریان امور قرار داده شد. پدر ابراز شرمندگی کرده و قول داد تا برای رفع این مسئله همکاری کند. به همین جهت از پدر خواسته شد تا با فرزند خود وقت بیشتری بگذراند، او را درک کرده و همچنین مورد محبت قرار دهد، از ویژگی های مثبت عسل تعریف کرده و به او اعتماد به نفس و احساس افتخار بدهد. بعد از صحبت با پدر و مادر و همچنین دلیل دقیق جدایی آن ها، به آن ها گفته شد تا به صورت مشترک به جلسات مشاوره رفته و درباره یکدیگر فکر کنند تا در صورت امکان، دوباره به یکدیگر رجوع کنند. همچنین از معلمان عسل خواسته شد تا در صورت مشاهده پرخاشگری او، به این مسئله توجهی نشان ندهند و در عوض، نسبت به موفقیت های تحصیلی او بی اهمیت نباشند و او را به دلایل مختلف از جمله تحصیلی، اخلاقی و ورزشی تشویق نمایند.



در نتیجه، مهم ترین دلایل این مسئله (پرخاشگری او در نتیجه طلاق والدین) عبارتند از:

۱. طلاق والدین

۲. کمبود محبت

۳. عدم وجود جو صمیمی و دوستانه در منزل

۴. ارتباط نامناسب با پدر

۵. کار کردن بیش از حد مادر و تنها بودن غسل

۶. پایین آمدن اعتماد به نفس او در نتیجه طرد شدن توسط پدر

۷. حسرت خوردن نسبت به سایر دانش آموزان عادی و پرخاشگری بیشتر نسبت به آن ها

همچنین در بسیاری از مقالات نیز بر طلاق والدین و ارتباط آن با پرخاشگری فرزندان این خانواده ها و ضرورت وجود آموزش هایی در جهت کنترل این شرایط تاکید شده است. دختران خانواده های طلاق از نظر مسئولیت پذیری، عزت نفس، سلامت روان کلی و خرده مقیاس های آن نظیر نشانه های بدنی، اضطراب و بی خوابی، ناکارایی اجتماعی و افسردگی، با دختران خانواده های عادی تفاوتی معنی دار دارند که ناشی از عوارض ناخوشایند طلاق والدین بر فرزندان است. (یونسی و همکاران، ۱۳۸۸) میزان پرخاشگری کودکان طلاق بیشتر از میزان پرخاشگری کودکان عادی است و تفاوت میان دو گروه از نظر آماری معنادار می باشد بین میزان پرخاشگری کودکان طلاقی که نزد پدر خود زندگی می کنند و کودکان طلاقی که نزد مادر خود زندگی می کنند تفاوتی وجود ندارد. (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۰) بررسی های روان پزشکان نشان داده است که طلاق و جدایی والدین از عمده ترین علل بیماری های روانی کودکان است یکی از اختلالات رفتاری رایج در میان کودکان پرخاشگری ناشی از طلاق والدین آنهاست. امر طلاق برای والدین یک ضایعه و برای کودکان یک فاجعه است. طلاق بیشتر متوجه کودکان خانواده است که دل به عنایت و مهر گرم والدین داشته و خانه را مرکز امید و پناهگاه خویش می شناسند طلاق پدر و

مادر، کودک را به اختلال عاطفی و رفتاری دچار می کند؛ در مواردی قدرت اندیشه و اراده را از او باز می ستاند و در کل او را چنان پریشان می کند که اثرات شوم آن مادام العمر عارض کودک است. (فرجاد، ۱۳۷۸) بیشتر تحقیقاتی که در زمینه طلاق انجام شده، تاثیر طلاق را بر سلامت روانی و رفتاری کودکان بررسی کرده اند به عنوان مثال والرسین (۱۹۸۷) در تحقیقات خود ثابت کرده است که پرخاشگری بالایی در کودکان طلاق وجود دارد که منشاء مشکلات رفتاری بعدی در زندگی آنها است. (میلار، ۲۰۰۶)

راهکارهای پیشنهادی در جهت کاهش پرخاشگری و رفع مشکلات او:

۱. توجه به توانایی و استعدادهای گوناگون او در زمینه های مختلف
۲. عدم توجه به پرخاشگری های دانش آموز و بی اهمیت جلوه دادن این امر
۳. برقراری ارتباط مناسب و صمیمی بین والدین و غسل
۴. بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز و انتقال حس ارزشمندی به او
۵. اختصاص دادن زمانی برای گذراندن وقت با او به خصوص از طرف پدر
۶. توجه به قرارگیری دانش آموز در سن بلوغ و در نظر گرفتن بحران های روحی و جسمی او
۷. همدلی با دانش آموز و محبت بی چون و چرا به او از طرف خانواده
۸. جلوگیری از تمسخر توسط دیگر دانش آموزان به جهت طلاق والدین و حفظ گروه دوستی او
۹. سپردن مسئولیت هایی به او در حد توان خود که تا حدی مورد علاقه او نیز باشد



بعد از ارائه این راهکار ها و همفکری با مشاور مدرسه و والدین او، نوبت به اجرای برخی از این راه حل ها رسید:

• اجرای راهکار منتخب شماره یک و نه

(توجه به توانایی و استعداد های گوناگون او در زمینه های مختلف) و (سپردن مسئولیت هایی به او در حد توان خود که تا حدی مورد علاقه او نیز باشد) همانطور که گفته شد، عسل دختری با وضعیت تحصیلی خوب است و همچنین در رشته کاراته نیز فعال است و دارای مقام های مختلف در مسابقات می باشد. به جهت بالا بردن اعتماد به نفس او و همچنین ایجاد حس مقبولیت در او، نسبت به موفقیت های تحصیلی او در کنار سایر دانش آموزان واکنش نشان داده شد و از طرف مدرسه از او تقدیر شد. همچنین، در بین دانش آموزانی که در رشته کاراته مهارت داشتند، مسابقه ای برگزار شد و به برندگان مسابقه، از جمله عسل هدیه داده شد و برندگان به عنوان معلم یار ورزش نیز انتخاب شدند. مادر او نیز برخی امور را که عسل علاقمند به انجام آن بود اما مادر به دلایل مختلف مانع میشد، مانند درست کردن بعضی وعده های غذایی یا دادن غذا به خواهر کوچکتر خود، به عسل سپرد.

• اجرای راهکار منتخب شماره پنج

(اختصاص دادن زمانی برای گذراندن وقت با او به خصوص از طرف پدر)

از آنجا که عسل در سن بلوغ به سر میبرد و به طور معمول، دختر به داشتن رابطه ای گرم و صمیمی با پدر نیازمند است اما به دلیل طلاق والدین او این ارتباط وجود نداشت، با همکاری و مشورت با پدر و مادر او، قرار بر این شد تا پدر او اندک اندک و با شیوه های گوناگون به او نزدیک شده و تلاش کند تا رابطه خوبی را برای خودشان بسازد. بعد از مدتی که این ارتباط شکل گرفت و هر دو طرف به یکدیگر اعتماد کردند، به صورت هفتگی با یکدیگر قرار بگذارند و زمان هایی را به صورت اختصاصی با یکدیگر بگذرانند. همچنین از آنجا که پدر موظف به تامین مخارج



فرزندان خود می باشد، تلاش شد تا با استفاده از حمایت مالی پدر، از ساعت های کاری مادر کم شده تا او نیز بتواند زمان مناسبی را برای گذراندن با فرزندان خود در اختیار داشته باشد

• اجرای راهکار منتخب شماره هشت

(جلوگیری از تمسخر توسط دیگر دانش آموزان به جهت طلاق والدین و حفظ گروه دوستی او) گاهی دیده میشد که غسل از طرف همکلاس های خود و یا سایر دانش آموزان مدرسه که از طلاق والدین او خبر داشتند، مورد تمسخر واقع میشد و موجب ناراحتی و سرافکندگی او میگشت. همچنین پرخاشگر شدن و پایین آمدن اعتماد به نفس او موجب تضعیف گروه دوستی او شده بود و اندک اندک به سمت از دست دادن دوستان خود میرفت. بنابراین از دیرین و کادر مدرسه خواسته شد تا در صورت مشاهده تمسخر او، با عاملان این کار برخورد کرده و هرگز اجازه این کار را به کسی ندهند. همچنین، درباره طلاق والدین برای دانش آموزان توضیح داده و عادی انگاری شد تا کسی از این موضوع دستاویزی برای تمسخر نسازد.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره یک و نه

بعد از اینکه توانایی ها و استعداد های غسل مورد توجه واقع و به آن اهمیت داده شد، او از رضایت درونی بیشتری برخوردار شده بود که این امر در او کاملاً آشکار بود. معلم یار شدن او نیز به شدت بر بالا رفتن اعتماد به نفس او موثر بود و احساس مفید بودن را به او منتقل میکرد. در خانه نیز با انجام کار های مورد علاقه خود، احساس بهتری داشت و از انجام کار ها لذت می برد. این امر نیز در بالا رفتن اعتماد به نفس او و شکوفایی سایر استعداد ها و همچنین افزایش توانایی های او موثر بود و حتی رابطه او را با خواهر کوچکترش بهبود بخشید.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره پنج

شکل دادن رابطه ای قابل اعتماد و مناسب بین او و پدرش، به زمان بیشتری نیاز داشت. در ابتدا پدر او از طریق فرستادن هدیه به خانه و یا زنگ و پیام با او ارتباط برقرار میکرد. هر چند که غسل نیز در ابتدا به سختی به این موارد پاسخ میداد، اما به مرور این امور آسان شد. ظهر بعضی از روز ها



پدر او به سراغش می آمد، تا منزل او را همراهی میکرد و در مسیر، راجع به اتفاقات مدرسه با یکدیگر صحبت میکردند. این روند به همین شکل و آهسته و پیوسته طی شد، تا آنجا که بعد از مدتی، هفته ای یک الی دو بار با یکدیگر بیرون می رفتند و به کار های مورد علاقه خود می پرداختند. مادر نیز با کاهش ساعات کاری خود، ساعات بیشتری را نسبت به قبل در منزل می گذراند. در همین راستا، او نیز تلاش کرد تا رابطه خود را با دخترش بهتر کرده و زمان بیشتری را به او اختصاص دهد. این کار نیز باعث رضایت هر دو طرف شد و نتایج بسیار مثبتی را در پی داشت. همچنین، پدر و مادر زمان هایی را نیز به صورت اشتراکی با یکدیگر هماهنگ کرده و به صورت خانواده ای چهار نفره بیرون می رفتند تا بچه ها احساس خوشحالی بیشتری داشته باشند و هم خودشان بتوانند دوباره اینکه به یکدیگر رجوع کنند یا خیر فکر کرده و تصمیم بگیرند.

بخش پنجم: ارتباط با جنس مخالف

جریان از اینجا آغاز شد که دانش آموز پایه هشتم مدرسه، به نام "سارا" به بهانه آمدن به مدرسه از خانه خارج شده اما به مدرسه نیامده بود. کادر مدرسه که متوجه غیبت او می شوند با منزل تماس می گیرند تا علت غیبت او را جویا شوند، اینجا بود که متوجه شدند فرزندشان به مدرسه نرفته است. والدین او به مدرسه دعوت شدند تا علت فرار دانش آموز مشخص گردد. معلوم شد که او فرزند طلاق می باشد و پدر و مادر از یکدیگر جدا شده اند. مادر برای تامین زندگی در بیرون از منزل شاغل است، به همین دلیل سارا بیشترین زمان خود را با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود سپری می کند که آن ها نیز توان سرپرستی او را ندارند. به دلیل مشغله کاری مادر و نبود نظارت والدین بر فرزند، کمبود محبت و همچنین عدم توجه به مسائل روحی و روانی فرزندشان، دختر به ارتباط با جنس مخالف گرایش پیدا کرده و آن روز نیز با دوست پسر خود به تفریح و گردش در یکی از مناطق تفریحی که با مرکز شهر نیز فاصله دارد رفته بوده اند. پدر و مادر هر دو از وضعیت پیش آمده ناخشنود بودند و تمایل داشتند تا برای حل این مشکل تمام تلاش خود را بکنند. قرار بر این شد که بعد از صحبت با دانش آموز، مجدداً والدین به مدرسه مراجعه کرده تا با همفکری یکدیگر، راه حلی برای وضعیت پیش آمده پیدا کنند. در طی صحبتی که با دانش آموز انجام شد، او نیز از انجام این کار اظهار ندامت و پشیمانی کرد. از صحبت های سارا مشخص بود



که او در زندگی بسیار تنهاست. پدر به ندرت به او سر میزند، مادر از صبح تا شب سر کار است و زمانی که به خانه بر میگردد بسیار خسته است. پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز سن زیادی دارند و کار چندانی برای او از دستشان بر نمی آید. سارا که از این وضعیت خسته شده، اندک اندک و همچنین با تأثیر پذیری از دوستان و همکلاسی های خودش، به سمت دوستی با جنس مخالف رفته تا برای مدت زمانی هر چند محدود، از تنهایی خود کم کند و همچنین مورد ابراز محبت و توجه قرار گیرد.

مجدداً والدین به مدرسه دعوت شدند تا درباره راه حل های این مسئله با یکدیگر بحث و همفکری کنند. قرار بر این شد که پدر و مادر هر دو زمانی را به فرزندشان اختصاص دهند و علت این رفتار را به صورت دوستانه و بعد از جلب محبت و اعتماد او جویا شوند. به او محبت و توجه کنند و مسئولیت هایی را نیز به او بسپارند تا در خانه احساس بی مصرف بودن نداشته باشد. همچنین از عواقب خطرناک و گاهی جبران ناپذیر اینگونه ارتباط ها با او صحبت کنند و ارتباطی صمیمانه با او داشته باشند. همچنین از لحن دستوری، پرخاشگرانه و موعظه گرانه به شدت پرهیز کنند. بعد از این جلسه، قرار بر عملی شدن این راه ها شد، پدر و مادر این موارد را به جهت مراقبت از فرزند خود با جدیت پیگیری کنند و همچنین جلسات مشاوره نیز ادامه داشته و وضعیت دانش آموز به صورت ماهانه پیگیری شود. به دلیل وضعیت رو به گسترش این موضوع، با همکاری و تأیید مدیر، قرار شد تا جلساتی برای آموزش و آگاه سازی خانواده ها و همچنین مطلع کردن دانش آموزان از عواقب این ارتباطات و آسیب های آن توسط مشاوران خانواده برگزار شده تا نقشی پیشگیرانه و تا حدی درمانی داشته باشد.

در نتیجه، مهم ترین دلایل این مسئله (ارتباط با جنس مخالف) عبارتند از:

۱. طلاق والدین

۲. کمبود محبت دانش آموز

۳. بی توجهی پدر و مادر به وضعیت روحی فرزند خود



۴. تنها بودن سارا در خانه

۵. تحریک دوستان و فشار همسالان

۶. تاثیر رسانه و فضای مجازی

همچنین در بسیاری از مقالات نیز بر ارتباط با جنس مخالف، دلایل و آسیب های آن و همچنین ضرورت وجود آموزش هایی در جهت کنترل این شرایط تاکید شده است. مطالعات انجام شده در زمینه رابطه با جنس مخالف در ایران، حاکی از شیوع حدود ۲۷ تا ۶۲ درصدی این پدیده در بین قشر نوجوان و جوان اعم از دانش آموز و دانشجو بوده است. شیوه های فرزندپروری، جهت گیری های مذهبی و پیوستگی خانواده، تأثیر دوستان و فیلم های مستهجن و نقش تسهیل گری اینترنت و تلفن همراه در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف، وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی خانواده ها و نیز احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی، از تعیین کننده های اصلی در رابطه نوجوانان با جنس مخالف خود، از دوستی ساده تا تماس جنسی هستند. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۲)

گرایش های درونی، دوستان، خانواده، آگاهی خود نوجوان، نظارت مدارس و ... از جمله عواملی هستند که در دست یکدیگر موجب ترغیب نوجوان به برقراری روابط با جنس مخالف کرده که ممکن است این ارتباط تبعات بسیار سنگینی را شامل گردد. به نظر می رسد که با آموزش صحیح والدین و خود نوجوانان، همچنین نظارت و راهنمایی مسئولین مدارس میتوان تا حدودی این مسائل را کنترل کرد. (کنجکاو، ۱۳۹۴) تحلیل آماری نشان داد کنترل سختگیرانه والدین در دوران بلوغ، نگرش آزادانه والدین و احترام کم به نظرات والدین، مهم ترین پیش بینی کننده های دوستی با جنس مخالف در سطح خانواده می باشند. اهمیت برخورداری از جو و روابط خوب خانوادگی و کنترل و نظارت متعادل والدین بر عملکرد نوجوانان در دوران بلوغ و هم چنین انتقال ارزش ها و اعتقادات توسط والدین به جوانان و بیان انتظارات از جوانان در مورد روابط قبل از ازدواج توسط والدین تاکید می گردد. (خلج آبادی و مهر یار، ۱۳۸۹) به طور کلی در فرایند جهانی شدن، برخی از الگو های رفتاری از طریق فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نوین از فرهنگی به فرهنگ های دیگر گسترش یافته است. این امر موجب شکل گرفتن سبک های جدیدی از زندگی شده



است. حاصل این فرایند به وجود آمدن هویت های جدید در میان جوانان است که گاهی با ارزش ها و هنجار های پذیرفته شده در جامعه و نظام دینی حاکم در جامعه همخوانی ندارند. این فرایند موجب شده است تا شاهد رفتار های گوناگونی در جامعه باشیم که در دوستی دختر و پسر و در اهداف و نگرش های نسبت به این دوستی ها خود را نشان دهند. (خواجه نوری و دلاور، ۱۳۹۱)

• راهکار های پیشنهادی در این موضوع به جهت رفع مشکل او

۱. برگزاری کارگاه های آموزش خانواده
 ۲. صحبت و تعامل با دانش آموزان درباره این موضوع زیر نظر مشاور
 ۳. صرف وقت کافی برای دانش آموز و محبت به او از طرف والدین
 ۴. سپردن مسئولیت هایی به دانش آموز در خانه و مدرسه
 ۵. توجه به دانش آموز و القای حس ارزشمندی به او
 ۶. درک کردن ویژگی های سنی دانش آموز و همدلی با او
- بعد از ارائه این راهکار ها و همفکری با مشاور مدرسه و والدین او، نوبت به اجرای برخی از این راه حل ها رسید:

• اجرای راهکار منتخب شماره یک

(برگزاری کارگاه های آموزش خانواده)

به جهت آگاه سازی خانواده ها از این موضوع و آسیب های آن، کارگاه آموزش خانواده با موضوع ارتباط با جنس مخالف برگزار شد که در آن از مشاور خانواده دعوت شد و به این موضوع به تفصیل پرداخته شد، همچنین در انتهای جلسه، دقایقی به پرسش و پاسخ اختصاص داده شد و والدین سوالات خود را درباره این موضوع پرسیدند.



• اجرای راهکار منتخب شماره دو

(صحبت و تعامل با دانش آموزان درباره این موضوع زیر نظر مشاور)

دانش آموزان در هفته یک ساعت زمان خالی داشتند که از این زمان برای صحبت درباره دغدغه ها و مسائل آنان و همچنین بیان موضوعات مورد نیاز آن ها استفاده میشد. در این راستا، هفته هایی به بررسی این موضوع پرداخته شد و در جلسات به صورت تعاملی با دانش آموزان در این باره ارتباط برقرار شد و در آن از آسیب ها و نتایج گاه جبران ناپذیر این موضوع صحبت شد. همچنین دانش آموزان نیز سوالات خود را در این باره پرسیدند و مشاور که ارتباط خوبی با دانش آموزان داشت به گرمی و همدلانه پاسخ آن ها را داد. همچنین راهکار هایی برای جلوگیری از وقوع این اتفاق به والدین داده شد.

• اجرای راهکار منتخب شماره سه

(صرف وقت کافی برای دانش آموز و محبت به او از طرف والدین)

از آنجا که این دانش آموز فرزند طلاق می باشد و والدین نیز زمان کافی برای او نگذاشته اند، دچار کمبود توجه و محبت شده که قرار گرفتن او در سن بلوغ نیز بر این موضوع افزوده است. قرار بر این شد که والدین او به صورت جداگانه و همچنین با یکدیگر، زمان هایی را برای گذراندن با دخترشان صرف کنند و او را متوجه محبت و علاقه خود کنند.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره یک

از والدین خواسته شد تا بعد از برگزاری کارگاه و گذشت چندروز، نظر خود را درباره کارگاه و مطالب آن و همچنین تاثیر آن بیان کنند. نتایج و بازخوردهای داده شده نشان از مفید و کاربردی بودن مطالب کارگاه داشت. والدینی که اطلاعی از این موضوع نداشتند، بابت آگاهی ایجاد شده خوشحال بودند و راهکارهای پیشگیری از این ارتباط را به کار گرفته بودند تا از وقوع آن



جلوگیری کنند. خانواده هایی نیز که در این آسیب درگیر شده بودند، سعی کردند با به کار گیری راهکار های ارائه شده، شدت این موضوع را کاهش دهند و همچنین با ارجاع به مشاور خانواده، تلاش شد تا این مسئله به طور کلی برای آنان و فرزندانشان حل شود.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره دو

دانش آموزان در مدرسه از صحبت کردن درباره دغدغه ها و درگیری های روزمره در کنار درس، لذت می برند و همکاری و تمایل بسیاری در این امر نشان می دهند. صحبت کردن درباره این مسائل در ابتدا برای آنان سخت بود و از گفتن آن خجالت می کشیدند، اما با دقت به صحبت های مشاور گوش می دادند. بعد از مدتی، به مرور آن ها نیز در بحث ها مشارکت کردند و حتی درمورد مسائلی که در این موضوع برای آنان سوال شده بود اما نمیتوانستند از کسی پرسند، از مشاور سوال میکردند. رضایت دانش آموزان از این جلسات و صحبت های انجام شده به جهت منطبق بودن با نیاز های آنان و همچنین القای حس همدلی و درک شدن از سوی مشاور به آنان کاملاً مشهود بود.

• نتایج اجرای راهکار منتخب شماره سه

والدین سارا طبق برنامه ریزی ها و هماهنگی هایی که با یکدیگر انجام دادند، زمان هایی را برای گذراندن با فرزندشان به صورت مشترک مشخص کردند. همچنین به صورت جداگانه نیز با او ارتباط داشتند و توجه و محبت خود را به سمت او متمرکز می کردند. سارا در ابتدا ارتباط خوبی با آنان نداشت، اما به مرور و با جلب اعتماد و محبت او از طرف والدین، ارتباطی صمیمانه شکل گرفت. شکل گیری این ارتباطات در کاهش تنهایی او و همچنین بالا رفتن اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی او بسیار موثر بود و این نتایج در زندگی او کاملاً مشخص بود.

نتیجه گیری

با توجه به موارد بیان شده و مسائلی که در اثر بررسی و مشاهده میدانی و همچنین مصاحبه با کادر مدرسه به دست آمده بود، دسته بندی شده و برای برخی از مهم ترین این مسائل راهکار هایی ارائه



شد و در نهایت با گفتگو درباره این راهکارها با کادر مدرسه و همچنین افراد متخصص، برخی از این راهکارها در جهت اجرا انتخاب شده و در نهایت نتایج حاصل از اجرای این راهکارها بررسی شد. از این پژوهش میتوان به اهمیت مسئله یابی در مدرسه و تاثیر حل آن‌ها بر دانش آموزان و پیشرفت آن‌ها و همچنین بر علاقمند شدن افراد به مدرسه و تلاش برای آینده خود پی برد. دانش آموزانی که در سن نوجوانی به سر می‌برند دارای مسائل متعددی هستند که هر کدام از این موارد می‌تواند آن‌ها را به نتایج ناگواری منجر سازد. بنابر این تلاش برای حل آن‌ها و کمک به دانش آموزان در جهت رفع بحران‌های نوجوانی و جلوگیری از نتایج مخرب بعدی آثار فراوانی بر زندگی حال و آینده آنان دارد. همچنین باعث تعامل بهتر دانش آموزان و مدرسه با یکدیگر شده که این مسئله نیز کادر مدرسه را در جهت رساندن دانش آموزان به اهداف آموزش و پرورش یاری می‌رساند.

منابع و مآخذ

۱. ارجمند سیاهپوش، اسحق؛ مقدس جعفری، محمدحسین و فرغلانی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه شهر شوش دانیال (ع). فصلنامه مطالعات جامعه شناسی جوانان. ۲(۲)، ۲۰-۷
۲. حسینی طباطبایی، فوزیه و قدیمی مقدم، ملک محمد. (۱۳۸۶). بررسی علل پیشرفت تحصیلی دختران در مقایسه با پسران در استان های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی. ۲۱(۱۵)، ۱۴۷-۱۱۹
۳. مسعودی فر، احمدرضا. (۱۳۸۸). علل بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه نظری خراسان رضوی (طرح تحقیقاتی). اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی
۴. علی، ام. اس.، و پاتان، ز. اچ (۲۰۱۷). بررسی عوامل ایجاد انگیزه در یادگیری زبان انگلیسی در میان دانشجویان کویت، پاکستان. مجله بین المللی زبان شناسی انگلیسی. ۱۰(۸)، ۱۲۲-۱۰۷
۵. کائوچی و سکای. (۲۰۰۹). بی انگیزگی زبان آموزان ژاپنی برای مطالعه انگلیسی: یک مطالعه پیمایشی. مجله ژالت. ۳۱(۲)، ۲۰۴-۱۸۳
۶. اتکینسون دی، هیلگارد ای. (۲۰۰۱). زمینه روانشناسی. تهران: انتشارات رشد.
۷. عظیمی راد ن. (۱۳۷۷). پیشگیری و درمان لکنت زبان. تهران. انتشارات امیر کبیر.
۸. محمد زاده ح. (۱۳۷۴). آسیب شناسی و سبب شناسی لکنت. تهران. انتشارات آیدین.
۹. فرازی م. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین اضطراب و لکنت. بررسی سخنرانی سومین کنگره ایران درمان. دانشگاه بهزیستی و توانبخشی.
۱۰. نجفی، سمانه و عشقی زاده، مریم و گنجی رودی، مهدیه و صالحی اصل، بهاره و ابراهیمی، نجمه. ۱۳۹۹. مقایسه اضطراب، افسردگی و عزت نفس کودکان سالم و مبتلا به لکنت زبان. نشریه پرستاری کودکان. ۶(۴).



۱۱. طوزنده جانی، ح. نعیمی، ح. احمدپور، م. (۲۰۱۱). تحقیق در مورد اثربخشی مقابله شناختی-رفتاری مهارت از طریق آموزش گروهی در مورد اضطراب وسازگاری کودکان مبتلا به لکنت.
۱۲. یونسی، ف.، و معین، ل.، و شمشیری نیا، ت. (۱۳۸۹). مقایسه سلامت روان، عزت نفس و مسوولیت پذیری دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی خانواده های طلاق و عادی شهرستان فیروزآباد سال تحصیلی ۸۸-۸۷. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، ۱(۲)، ۷۹-۹۵.
۱۳. یعقوبی، ک.، و سهرابی اسمرود، ف.، و مفیدی، ف. (۱۳۹۰). بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی. مطالعات روان شناختی، ۷(۱)، ۹۷-۱۰۹.
۱۴. فرجاد، محمدحسین، آسیب شناسی اجتماعی و ستیزه های خانوادگی و طلاق، نشر منصوری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳.
۱۵. میلار، پیتر، (۲۰۰۶). اضطراب در کودکان طلاق، مجله روانشناسی، جلد ۱۰، شماره ۱، ص ۳۶ - ۳۰.
۱۶. دهقان تنها، رضوان. آیتی، مریم. شهابی زاده ف. کارکرد خانواده و جهت گیری مذهبی. ارائه مدل های نگرش نسبت به روابط قبل از ازدواج و پیامدهای آن بر دانشجویان در رابطه با جنس مخالف. روانشناسی و دین. ۲۰۱۳؛ ۶(۳): ۸۱-۹۵.
۱۷. کنجکاو، زهرا، ۱۳۹۴، نوجوانان و ارتباط با جنس مخالف و راه هایی برای تعدیل این حالت، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران،
۱۸. خلیج آبادی فراهانی، ف.، و مهریار، ا. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. خانواده پژوهی، ۶(۲۴)، ۴۶۸-۴۴۹.
۱۹. خواجه نوری، ب.، و دل آور، م. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تاکید بر فرآیند جهانی شدن. جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۲۳(۲) (پیاپی ۴۶)، ۴۱-۶۴.